

## جمله‌ی فعلیه و اسمیه

### درس ۵ عربی دهم مشترک و انسانی

از آنجا که مبحث جمله با اعراب ارتباط دارد قبل از ورود به این مبحث درباره‌ی «معرب و مبنی و نشانه‌های اعراب» توضیح می‌دهیم.  
تذکر: هرچند این مبحث (معرب و مبنی و اعراب) مختص رشته‌ی انسانی است اما به دانش‌آموزان گروه ریاضی و تجربی توصیه می‌شود آشنایی مختصری با این مبحث داشته باشند.

### اسم (معرب و مبنی) [تخصیص رشته‌ی انسانی]

معرب:

کلمه‌ای است که آخر آن متناسب با موقعیت و نقش کلمه در جمله تغییر می‌کند و مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم شدن آن در هر یک از حالات دارای علامت خاصی است مانند کلمه «علی» در مثال‌های زیر:

جاء علی ← علی: فاعل و مرفوع      رأیْتُ علیاً ← علی مفعولٌ به و منصوب      سمعتُ من علی ← علی: مجرور به حرف جر

مبنی:

کلمه‌ای است که آخر آن همیشه ثابت است- در هر نقشی که باشد - مانند: «هو، الّذی - این - ما»؛  
از آنجا که اسم‌های مبنی بسیار کم هستند برای یادگیری این درس کافی است مبنی‌ها را به خاطر بسپارید:

معرب: اکثر اسم‌ها معربند  
ضمیرها  
اسم‌های موصول و اشاره جز در حالت مثنی  
اسم‌های استفهام (من، ما، متی، کیف ...)  
اسم‌های شرط (إذا، من، ما، اینها)

تذکر ۱: ضمیرها و اسم‌های استفهام در درس اول بررسی شد.

تذکر ۲: اسم‌های شرط، موصول و جمله‌ی شرطیه را در عربی یازدهم خواهیم آموخت.

فعل از نظر اعراب به دو دسته‌ی معرب و مبنی تقسیم می‌شود و تمام افعال در یکی از این دو گروه جای می‌گیرند.

۱- فعل مبنی: فعلی است که انتهای آن تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند و ثابت است.

فعل‌های مبنی عبارتند از: همه‌ی صیغه‌های ماضی، صیغه‌های جمع مؤنث از مضارع (جمع مؤنث) و ۶ صیغه‌ی امر حاضر.

۲- فعل معرب: فعل معرب فعلی است که انتهای آن قابل‌تغییر است و اعراب را می‌پذیرد.

فعل مضارع بجز در صیغه‌های جمع مؤنث و امر حاضر (مخاطب) معرب است.

معرب: مضارع بجز مؤنث و امر مخاطب  
هر ۱۴ صیغه‌ی ماضی  
مضارع: جمع مؤنث  
امر مخاطب

جدول علامت‌های اعراب در عربی

حالت عادی	اسم مثنی	اسم جمع مذکر سالم	اسم جمع مؤنث سالم
رَفَعٌ	اِنِ	وَنَ	اَتُّ، اَتْ
نَصَبٌ	يِنِ	يَنَ	اِتِ، اِتِ
جَزٌّ	يِنِ	يَنَ	اِتِ، اِتِ

نمودار جمله:



کلمات لازم و متعدی

۱- فعل‌های لازم را با بردن به باب‌های افعال و تفعیل می‌توان متعدی نمود، مثال:

فرح: شاد شدم	أَفْرَحْتُ: شاد کردم. (افعال)	خرج: خارج شد	أَخْرَجَ: خارج کرد. (افعال)
نزل: پایین آمد	نَزَلَ: پایین آورد. (تفعیل)	فرح: شاد شد	فَرَّحَ: شاد کرد. (تفعیل)

۲- اغلب افعالی که در باب‌های «انفعال و تفعّل» هستند، لازم هستند. مانند:  
 إنجلَى: آشکار شد / إنطلق: روانه شد / إنهزم: شکست خورد / تأخر: تأخیر کرد / تجمّع: جمع شد / تحرّز: آزاد شد.

۳- افعال ثلاثی مجردی که بر وزن «فَعَلَ» باشند معمولاً لازم هستند:  
 حَسَنَ: نیکو شد / کَثُرَ: زیاد شد / کَبُرَ: بزرگ شد.

۴- اغلب فعل‌ها در باب «مفاعلة» و «استفعال» متعدی هستند.  
 شاهد: مشاهده کرد / استخرج: استخراج کرد.

### فاعل:

فاعل: اسم مرفوعی که پس از فعل معلوم عنوان می‌شود و فعل به آن نسبت داده می‌شود

انواع فاعل

اسم ظاهر: جاء الربیعُ  
 \*ضمیر بارز (متصل) الف، واو، ن، ت، ث، مَّا (و...)  
 ضمیری که به آخر فعل (ماضی یا مضارع) متصل می‌شود و جزء صیغه فعل است مانند: تخرجون، إستخدام، ذهبتم، یجاهدان  
 \*ضمیر مستتر (هو، هی، أنت، أنا، نحن): نَعَلَمُ، خرج، تَكشِفُ و...  
 (در صورتی که اسم ظاهر و ضمیر بارز وجود نداشته باشد)

### نکات فاعل:

- اگر فعل در صیغه‌های مخاطب و متکلم باشد فاعل به صورت اسم ظاهر وجود نخواهد داشت و حتماً ضمیر (بارز یا مستتر) خواهد بود. مانند: نَعَلَمُ: فاعل «نحن» مستتر «اكتشفتم»: فاعل ضمیر بارز «نم»
- فاعل اسم ظاهر فقط می‌تواند در صیغه‌های للغائب و للغائبة (ماضی و مضارع) وجود داشته باشد.
- مقدم کردن فعل بر فاعل در جملات فعلیه لازم است زیرا اگر فعل پس از اسم بیاید در آن صورت جمله اسمیه خواهد بود و در اصطلاح آن اسم را مبتدا می‌گویند.

**تذکر:** ملاک تقییم بندگی جمله در زبان عربی کلماتی است که جمله با آن آغاز می‌شود اگر این کلمه اسم باشد جمله اسمیه و اگر فعل باشد جمله فعلیه خواهد بود. مثال:

جاء علی ← جاء: فعل      علی: فاعل      جمله: فعلیه

علی جاء ← علی: مبتدا      جاء: خبر      جمله: اسمیه

۴) گاهی اوقات میان فعل و فاعل فاصله ایجاد می‌گردد. مانند:

ذَهَبَ الى المدرسة محمدٌ و قرأ الدرس حميدٌ.

**تذکر:** حالت فوق تنها زمانی اتفاق می‌افتد که فاعل اسم ظاهر باشد.

۵) باید توجه داشت که در جملاتی همانند: حَسَنٌ قامَ - زَيْنَبٌ قامت - الرجالُ ذَهَبوا فاعل به ترتیب: (هُوَ - هی - «او») است و دلیل این امر آن است که کلمات «حسن - زینب - الرجال» چون مبتدا واقع شده‌اند نقش دیگری نمی‌توانند بپذیرند.

**تذکر:** در هر زبانی کلمه تنها یک نقش می‌پذیرد.

۶) هرگاه فاعل اسم ظاهر (مفرد یا مثنی یا جمع) باشد، در این صورت فعل به صورت مفرد آورده می‌شود و به عبارت ساده‌تر فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد می‌آید - اگر فاعل اسم ظاهر باشد - اما از نظر جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) فعل و فاعل باید با هم مطابقت کند. مثال:

التلميذ	} جاء (مذکر)	التلميذ
التلميذات		التلميذات
التلميذات		التلاميذ

۷) در زبان عربی، هر فعل معلوم، تنها می‌تواند دارای یک فاعل باشد.

## اینگاه ترجمه

الف- در ترجمه‌ی فارسی «فاعل» به صورت «نهاد» ترجمه می‌شود.

ب- همان گونه که گفته شد در زبان عربی، اگر «فاعل» اسم ظاهر باشد، «فعل» به صورت مفرد می‌آید؛

در ترجمه‌ی فارسی دقت کنید که فعل باید با «نهاد» جمله مطابقت کند:

رجع المقاتلون: رزمندگان بازگشتند      تنجح الطالبات: دانش‌آموزان موفق می‌شوند.

## مفعول

مفعول: اسمی است منصوب که بر کسی یا چیزی دلالت می‌کند که کاری بر او واقع شده است

مفعول } انواع مفعول }  
( اسم ظاهر: شاهدتُ المعلم، نصراللهُ المجاهدین )  
ضمیر متصل: یکی از ضمائر متصل  
ه، هُما، هم، ها و ...» به فعل متصل می‌شود»  
( این ضمیر جزء صیغه‌ی فعل نیست): عَرَفْتُكُمْ، شاهدتُنا

## نکات مفعول

۱) در صورتی که «مفعول» ضمیر متصل به فعل و «فاعل»، اسم ظاهر باشد؛ در این صورت مفعول، بر فاعل مقدم می‌شود. مانند:

رَحِمَهُ اللهُ (خداوند او را آمرزید.)      رَجِمَ: فعل      ه: مفعول به و محلاً منصوب      الله: فاعل و مرفوع

يَنْصُرُكَ اللهُ (خدا شما را یاری می‌کند).      يَنْصُرُ: فعل      كُنَّ: مفعول به و محلاً منصوب      الله: فاعل و مرفوع

۲) ضمیر «نا» بین ضمائر «متصل فاعلی» و ضمائر «متصل مفعولی» مشترک است و طریقه‌ی تشخیص آن به این صورت است:

الف- اگر این ضمیر به فعل ماضی که لام الفعل آن ساکن است (صیغه‌ی متکلم مع الغیر ماضی) متصل شود، غالباً فاعل است. مانند:  
دَهَبْنَا - إِسْتَخْرَجْنَا

ب- اگر ضمیر «نا» به هر فعل دیگری - به جز صیغه‌ی متکلم مع الغیر ماضی - متصل شود، ضمیر متصل منصوبی است و مفعول است: عَلَّمَتْنَا - يَكْرُمُونَا

تذکر: اگر ضمیر «نا» به اسم یا حرف جر متصل شود مضاف الیه یا مجرور به حرف جر است: عَلَيْنَا - مَعَلَّمْنَا

۴) ضمیر «ی» نیز بین ضمائر «متصل فاعلی» و «متصل مفعولی» مشترک است و طریقه‌ی تشخیص بدین شکل است:

الف- اگر ضمیر «ی» در صیغه‌ی مفرد مؤنث مخاطب مضارع (للمخاطبة) باشد، غالباً فاعل است:

تعلیمین - تَسْتَغْفِرِينَ - تُجَاهِدِينَ

ب- اگر ضمیر «ی» به افعال دیگر - جز صیغه‌ی مخاطب مضارع - متصل شود، «مفعول» است.

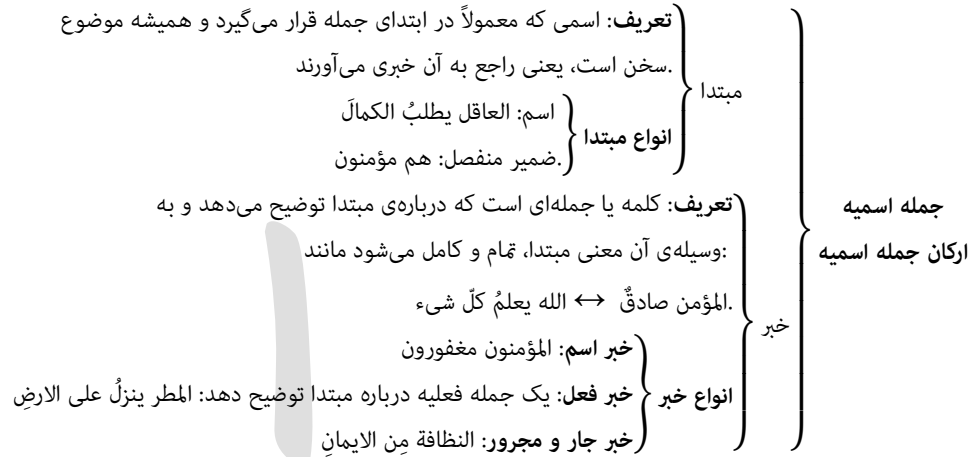
تذکر مهم: در این حالت بین فعل و ضمیر «ی»، نون و قایم می‌آید: يَكْرُمُونِي / أَخْرَجْنِي / عَلَّمْتَنِي

تذکره مهم: اگر ضمیر «ک» به حرف جر یا اسم متصل شود، مضاف الیه یا مجرور به حرف جر است: لِح - مَعْلَمِ  
۵) گاهی اوقات کلمه‌ای که در جمله‌ی عربی «مفعول» است در ترجمه‌ی فارسی تبدیل به متمم می‌شود:  
سَأَلْتُكَ: از تو پرسیدم / اِسْتَغْفِرُنَا اللهُ: از خدا طلب آمرزش کردیم.  
۶) «مفعول» هیچ‌گاه ضمیر مستتر نیست، بنابراین اگر فعل متعدی باشد، باید «مفعول به» در جمله، دیده شود.

### ایستگاه ترجمه

الف) در هنگام ترجمه به لازم یا متعدی بودن فعل و ترجمه‌ی صحیح فاعل و مفعول - به‌ویژه اگر به صورت ضمیر باشند - باید دقت کنیم:  
انتم تعلمون ما أعد الله للمسلمين: شما آنچه را که خداوند برای مسلمانان آماده کرده است، می‌دانید.  
ما نسيئ عهدی: پیمانم را فراموش نکردم.  
ب) اگر مفعول، «ضمیر» باشد، آوردن «را» الزامی است:  
يُشَاهِدُونَكَ: تو را می‌بینند. اِيَّاكَ نَعْبُدُ: تنها تو را می‌پرستیم.

### جمله‌ی اسمیه - ارکان جمله اسمیه:



### نکات

۱) هر کدام از مبتدا و خبر ممکن است دارای مضاف‌الیه یا صفت باشند که این مورد در نحوه ترکیب جملات هیچ نقشی نخواهد داشت. به‌عنوان مثال اگر خبر مفرد دارای مضاف‌الیه یا صفت باشد. خبر همچنان از نوع مفرد خواهد بود، مثال:

-هُوَ انسانٌ عَلِيمٌ	هو: مبتدا	انسان: خبر (مفرد)	علیم: صفت	التلمیذُ الْمُجْتَهِدُ کَثِیرُ العِلْمِ
التلمیذُ: مبتدا	المجتهدُ: صفت	کثیرُ: خبر (مفرد)	العِلْمُ: مضاف‌الیه	
-رَبِّنا وَاحِدٌ	رَبُّ: مبتدا	نا: مضاف‌الیه	واحدٌ: خبر	

۲) اگر خبر، فعل (جمله‌ی فعلیه) یا جار و مجرور باشد، علامت اعراب قابل‌دیدن نیست.

۳) مبتدا همیشه اسم (یا ضمیر منفصل) است بنابراین افعال و حروف و جملات مبتدا واقع نمی‌شوند.

۴) در مورد زیر خبر باید قبل از مبتدا آورده شود (خبر مقدم - مبتدای مؤخر):

هرگاه خبر از نوع جار و مجرور و مبتدا نکره باشد. مانند:

علی المنفذة کتاب. فی الدار تلمیذٌ. لی قلمٌ.

۵) اگر جمله با «جار و مجرور» آغاز شود و پس از آن فعل بیاید، جمله فعلیه خواهد بود و در نتیجه مبتدا و خبر وجود نخواهد داشت. بنابراین جملات زیر فعلیه محسوب می‌شوند. مانند:

فی الدار دَرَسَ التلمیذُ (دانش‌آموز در خانه درس خواند) معَکُم جاءَ علی. (علی با شما آمد)

فی المزرعة حُصِد القمحُ. (گندم در مزرعه درو کرده شد) (جمله مجهول)

۶) اسم‌های دارای (ال) پس از اسم‌های اشاره را نباید خبر دانست، بلکه این اسم در اعراب «تابع» اسم ماقبل خود می‌باشد. مانند:

هذه المدرسة کبيرة. (این مدرسه بزرگ است)

هذه: مبتدا و مرفوع      المدرسة: تابع و مرفوع به تبعیت      کبيرة: خبر و مرفوع

ذَلِك التَّمْيِذُ يَدْرُسُ

(آن دانش آموز درس می خواند).

ذَلِك: مبتدا و مرفوع

التَّمْيِذُ: تابع و مرفوع به تبعیت

يَدْرُسُ: خبر جمله فعلیه

هُؤَلَاءِ الْمُقَاتِلُونَ شُجَاعُونَ

(این رزمندگان شجاعند)

هُؤَلَاءِ: مبتدا و مرفوع

المُقَاتِلُونَ: تابع و مرفوع به تبعیت

شُجَاعُونَ: خبر و مرفوع

**تذکره:** اُنْزِيسَ از اسم اشاره، اسم بدون «ال» بیاید. «خبر مفرد» محسوب می شود:

هذا کتاب.

هذا: مبتدا و مرفوع

کتاب: خبر مفرد و مرفوع

هُؤَلَاءِ مُقَاتِلُونَ.

هُؤَلَاءِ: مبتدا و مرفوع

مُقَاتِلُونَ: خبر مفرد و مرفوع

(۷) در صورتی که خبر مفرد، «نکره» باشد ممکن است پس از آن جمله‌ی وصفیه بیاید (به جمله‌ی ای که پس از اسم نکره می آید و آن را توصیف می کند، جمله‌ی وصفیه می گویند): در هنگام ترکیب جمله، جمله‌ی وصفیه را نباید به عنوان خبر محسوب نمود، زیرا خود یک نقش مستقل است (صفت).

**تذکره:** در عربی یازدهم در باره‌ی جمله‌ی وصفیه صحبت خواهیم کرد.

هُنَّ طَالِبَاتٌ يَدْرُسْنَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

هُنَّ: مبتدا و مرفوع

طَالِبَاتٌ: خبر مفرد و مرفوع

يَدْرُسْنَ ... : جمله‌ی وصفیه مرفوع به تبعیت.

(۸) هنگامی که خبر از نوع «جمله‌ی فعلیه» باشد و «فعل» مستقیماً به «مبتدا» باز گردد فاعل، ضمیر (بارز یا مستتر) خواهد بود.

الغَرْبُ لَا يَرِيذُ غَيْرَ ضِيَاعِكُمْ:

«لا يريذ ...»: خبر جمله‌ی فعلیه، فاعل «هو مستتر»

هُؤَلَاءِ النَّاسِ يُكْرِمُونِي:

«يكرموني ...»: خبر جمله‌ی فعلیه، فاعل «ضمير بارز واو».

(۹) در صورتی خبر (جار و مجرور) است که دو نمونه دیگر خبر (اسم و فعل) در کلام وجود نداشته باشد. مانند:

الشَّجَرَةُ فِي الرَّبِيعِ جَمِيلَةٌ.

مبتدا

فِي الرَّبِيعِ: جار و مجرور

جَمِيلَةٌ: خبر (مفرد)

الطَّلَابُ مِنَ الْيَوْمِ يَدْرُسُونَ

مبتدا

مِنَ الْيَوْمِ: جار و مجرور

يَدْرُسُونَ: خبر (جمله‌ی فعلیه)

## اینگاه ترجمه

الف- مبتدا، معادل «نهاد» و خبر معادل «گزاره» در زبان فارسی است.

ب- اگر خبر مفرد، مثنی یا جمع باشد معمولاً به صورت مفرد ترجمه می شود:

الطَّالِبَاتُ مُجْتَهِدَاتٌ: دانش آموزان کوشا هستند.

ج- اگر خبر مفرد، «نکره» باشد اجباری بر این که به صورت «نکره» ترجمه شود، نیست:

اللَّهُ عَالِمٌ: خداوند دانا است. المؤمنون مغفورون: مؤمنان آمرزیده هستند.